

تلاش ساواک برای نفوذ در رهبری حزب توده

۲ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۰۰

کشف این ماجرا سبب شد که هیئت اجرائیه تصمیم به برکناری رادمنش بگیرد و برای بررسی جریان نفوذ حسین یزدی و عزل رادمنش، پلنوم دهم کمیته مرکزی - در ۲۹ فروردین ۱۳۴۱ - در مسکو برگزار گردید.

ورود غلام یحیی دانشیان و امیر علی لاهرودی به هیئت اجرائیه، مواضع دکتر رضا رادمنش را تحکیم کرد، بخصوص که اختلافات احزاب کمونیست شوروی و چین به شدت مطرح بود و بحران عمیق مائوئیسم احزاب کمونیست جهان را فرا گرفته بود. برخی احزاب کمونیست جهان سوم (مانند اندونزی) از مواضع حزب کمونیست چین طرفداری می کردند و خطر جدی، سیطره حزب کمونیست شوروی را بر اردوگاه مارکسیسم تهدید می کرد. در هیئت اجرائیه حزب توده، احمد قاسمی و فروتن از مواضع مائوئیستی حمایت می کردند و از سوی بعضی اعضای کمیته مرکزی (حسن سغایی) و کادرهای حزبی پشتیبانی می شدند. در چنین شرایطی، روس‌ها برای تضعیف مواضع مائوئیسم تصمیم گرفتند از جناح رادمنش حمایت جدی کنند و مواضع او را در رهبری حزب توده تحکیم نمایند. این حمایت مسکو از رادمنش، از یک بعد - حذف مائوئیسم از حزب توده - به سود شوروی‌ها بود، ولی در مجموع به بهای گزافی برای حزب توده تمام شد و سبب گردید که ساواک در دو مرحله در رهبری حزب توده رسوخ نماید و سازمان حزب توده در ایران به پوششی برای ساواک علیه گروه‌های ضد رژیم پهلوی بدل گردد.

این سال‌ها مصادف بود با بحران همه جانبه رژیم طاغوت و اوج‌گیری مبارزات مردم مسلمان ایران، که به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ انجامید. در داخل کشور تظاهرات علیه شاه اوج گرفته بود و در نتیجه زمینه مناسبی برای فعالیت حزب توده وجود داشت. ولی سازمان حزب توده زیر نظارت کامل ساواک بود. یکی از خویشاوندان نزدیک رادمنش بنام حسین یزدی (پسر دکتر مرتضی یزدی) که شدیداً مورد اعتماد او بود، عامل ساواک منحل بود. رادمنش مسئول سازمان داخل کشور بود. حسین یزدی و برادرش، فریدون یزدی، اسناد حزبی را از رادمنش می‌دزدیدند، صندوق پستی او را کنترل می‌کردند و نامه‌های او به ایران و برعکس را در اختیار ساواک قرار می‌دادند. این جریان توسط سازمان اطلاعاتی آلمان شرقی کشف شد و حسین یزدی دستگیر و زندانی گردید.

کشف این ماجرا سبب شد که هیئت اجرائیه تصمیم به برکناری رادمنش بگیرد و برای بررسی جریان نفوذ حسین یزدی و عزل رادمنش، پلنوم دهم کمیته مرکزی - در ۲۹ فروردین ۱۳۴۱ - در مسکو برگزار گردید.

در این پلنوم، اکثریت اعضا شرکت کننده (۱۲ نفر از ۲۳ نفر) به برکناری رادمنش رأی دادند، ولی نتیجه پلنوم، زیر تأثیر شوروی، که به طور جدی خواستار ابقاء رادمنش در رأس حزب بود، برخلاف خواست اکثریت تمام شد. همانطور که گفتیم، علت این جانبداری شوروی، مواضع فروتن و قاسمی و ترس روس‌ها از گرایش حزب توده به مائوئیسم بود. در این پلنوم دانشیان ابراز داشت که علیرغم نفوذ حسین یزدی، رادمنش می‌تواند دبیر اول حزب باقی بماند، بقیه فرقی‌ها نیز از او جانبداری کردند. بالاخره احسان

طبری پیشنهاد کرد که هیئت اجرائیه منحل شود و یک هیئت سه نفره بنام «هیئت دبیران موقت» (بوروی موقت) - یعنی همان سه دبیر سابق - کارهای حزب را رهبری کنند و در عرض یک سال پلنوم یازدهم برای حل مسئله بحران رهبری تشکیل شود. این سه نفر عبارت بودند از: دکتر رضا رادمنش، ایرج اسکندری، عبدالصمد کامبخش.

بدین ترتیب رادمنش مجدداً به عنوان دبیراوت انتخاب شد و مسئولیت کار در ایران را نیز دوباره بدست گرفت. بعد از پلنوم دهم، رادمنش و اسکندری، که قبلاً با هم درگیر بودند، آشتی کردند و کیانوری، که معاون کامبخش در تشکیلات بود و بخش اروپای باختری را اداره می کرد، به علت درگیری با رادمنش و اسکندری، به مدت ۹ سال از کار حزبی کناره گرفت. بعد از پلنوم دهم، اختلافات درونی کمیته مرکزی نه تنها کاهش نیافت، بلکه تشدید شد. قاسمی، فروتن (اعضا هیئت اجرائیه) و سغایی (عضو مشاور کمیته مرکزی) مواضع آشکار مائوئیستی خود را جدی تر اعلام داشتند و با دانشجویان توده ای مقیم غرب، که در اکثریت مطلق خود گرایشات مائوئیستی یافته بودند، تماس برقرار کردند. عملکردهای خیانت بار رهبری حزب در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ در ایران و مشاهده جاه طلبی ها و قدرت طلبی ها و اختلافات شدید درونی کمیته مرکزی و تبعیت نوکرمنشانه آن از شوروی، سبب فروپاشی سازمان حزب در اروپای باختری و گرایش دانشجویان توده ای به سمت چین شد.

در حوزه های حزب توده در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز وضع متشنج بود. برای اکثریت اعضای حزب، «مسئله حسین یزدی» مفهوم نبود و برایشان این سؤال مطرح بود که چرا رادمنش با چنین اشتباه بزرگی باید همچنان در رأس حزب بماند و حتی قدرتمندتر نیز شود؟

اسکندری، که سالها آرزوی دبیرکلی را در سر می پروراند، شرایط را برای مطرح ساختن خود به عنوان جانشین رادمنش مناسب یافت و فعالیت شدیدی را در این راستا آغاز کرد. او چند بار به مسکو رفت و با رهبران «فرقه» تماس گرفت. در این زمان، رادمنش در عراق بود و در لایپزیک، ایرج اسکندری به جای او حزب را اداره می کرد و می کوشید تا از موضع دبیر اول عمل نماید. او حتی یک بار تصمیم گرفت تا دانشجویان را از رهبری «فرقه» عزل کند و حکم آن را هم صادر کرد، ولی اجرا نشد!

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۰۴۱۹/تلاش-ساواک-تلاش/۲۰۴۱۹>
توده-حزب-رهبری-نفوذ-ساواک-تلاش